

الزركلى (م. ۱۳۹۶ق.)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۷م؛ البرهان فى علوم القرآن: الزركشى (م. ۷۹۴ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، قاهره، احيا الكتب العربيه، ۱۳۷۶ق؛ شذرات الذهب: عبدالحى بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به كوشش الارنؤوط، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۰۶ق؛ معجم المؤلفين: عمر كخاله، بيروت، دار احيا التراث العربى - مكتبة المثنى؛ معجم مطبوعات العربيه: يوسف البان سر كيس، قم، مكتبة النجفى، ۱۴۱۰ق؛ هديه العارفين: اسماعيل پاشا (م. ۱۳۳۹ق.)، بيروت، دار احيا التراث العربى.

سيد حامد على زاده موسوى



## إعلام العلماء الاعلام...: از منابع

تاريخ مکه، نوشته عبدالکريم قطبى (۹۶۱-۱۰۱۶ق.)

این کتاب با عنوان *إعلام العلماء الاعلام* *ببناء المسجد الحرام* در بردارنده آگاهی هایی از تاریخ کعبه و مسجد الحرام، تعمیرها و گسترش های آن دو و وضع مدارس، مکانها و مساجد مکه است. *اعلام العلماء* تلخیص و ذیل کتاب *الاعلام باعلام بيت الله الحرام* نوشته قطب الدين نهروالى، عموى عبدالکريم قطبى، است.

نویسنده کتاب، اکمل الدين عبدالکريم بن محب الدين نهروالى حنفى مکی مشهور به

(ص ۳۰۵)، خوردن نان و میوه در مساجد (ص ۳۲۹)، بیرون بردن سنگ و خاک از مساجد (ص ۳۴۰)، روشن کردن مسجد با روغن نجس (ص ۳۶۱)، ساختن مسجد در گورستان (ص ۳۵۶) و کوتاه کردن ناخن و مو در مسجد. (ص ۴۰۷)

◀ **چاپها:** ابوالوفاء مصطفى مراغى كتاب *اعلام الساجد* را با بهره گیری از چند نسخه خطى تصحيح کرده و مقدمه‌ای مختصر در شرح حال و آثار زر كشى نگاشته و در انتشارات احيا تراث اسلامى قاهره به سال ۱۳۸۴ق. در ۴۴۷ صفحه با قطع وزیری به چاپ رسانده است. ابوالوفاء فهرست هایی از آیات، حدیثها، نامهای خاص و مکانها را همراه عكس هایی از حرم مكى و مدنى در پایان كتاب گنجانده است. تصحيح ديگر كتاب به دست ايمن صالح شعبان صورت پذیرفته است. او این کتاب را در انتشارات دار الکتب العلميه لبنان به سال ۱۴۱۶ق. به چاپ رسانده است. وی تحقیق خود را بر پایه تحقیق اول سامان داده و علت انتشار ديگر بار آن را كمیابی چاپ و تحقیق اول دانسته است.<sup>۱</sup>

## ◀ منابع

الاتقان: السيوطى (م. ۹۱۱ق.)، به كوشش سعيد، لبنان، دار الفكر، ۱۴۱۶ق؛ الاعلام:

۱. اعلام الساجد، ص ۶، «مقدمه ايمن صالح شعبان».

قطبی به سال ۹۶۱ق. در احمدآباد هند زاده شد. او همراه پدرش به مکه آمد و در آنجا رشد کرد و معارف اسلامی را آموخت. وی در ۹۸۲ق. مسئولیت افتای مکه را عهده‌دار گشت و به جهت داشتن مناصب مذهبی مانند امامت مقام حنفی و مدیریت مدرسه سلطان مراد مکه، دولت عثمانی برایش مقرری ویژه تعیین کرد.<sup>۱</sup> گفته‌اند: مدتی قاضی یمن بوده است.<sup>۲</sup> برخی از تاریخ‌نگاران مکه به او القابی چون علامه و مفتی مکه داده‌اند.<sup>۳</sup> از توانایی ذهنی، حافظه قوی، خبرگی در فقه و حدیث و ادبیات، و نیز مهارتش در خوشنویسی گزارش‌هایی آمده است.<sup>۴</sup> او در گردآوری کتاب کوشا بود. اموال، کتابخانه و آثار علمی عمویش به او رسید.<sup>۵</sup>

عبدالکریم دانش‌های اسلامی را نزد استادان گوناگون، افزون بر عموی خود، فراگرفت. از مشایخ او احمد بن حجر هیثمی و شیخ عبدالله سندی را می‌توان یاد کرد.<sup>۶</sup> وی در ۱۰۱۴ق. وفات یافت و در مقبره مغلات مکه دفن شد.<sup>۷</sup> جز اعلام العلماء، اثری حدیثی در شرح

صحیح بخاری با عنوان النهر الجاری علی صحیح البخاری به وی نسبت یافته است.<sup>۸</sup> او نام کتابش را در مقدمه، اعلام العلماء الاعلام ببناء المسجد الحرام یاد کرده است. (ص ۲۵) برخی نام آن را تاریخ البلد الحرام آورده‌اند.<sup>۹</sup> عبدالکریم قطبی معتقد است کتاب عمویش بیش از حد گسترش یافته و آگاهی‌های فرعی درباره حکمرانان و خلفا و کسانی که در تعمیر و گسترش مسجدالحرام و کعبه نقش داشته و حتی آن‌ها که ارتباطی با این مکان‌های مقدس نداشته‌اند، در آن راه یافته است. وی این‌گونه مطالب را برای فهم تاریخ مکه، کعبه و مسجدالحرام ضروری ندانسته و حذف آن‌ها را روا شمرده است. (ص ۲۵) مصححان آن کتاب، به تلخیص عبدالکریم نقد زده‌اند و بر آنند که او مطالب ضروری فراوان را حذف کرده است. از این رو، بسیاری از گزارش‌های حذف شده را در پانوشت صفحات آورده‌اند. (برای نمونه: ص ۸۸، ۹۹، ۱۰۹، ۱۴۰)

نویسنده کوشیده تا گزارش‌ها و مباحث اصلی کتاب نهروالی را با مطالب و آگاهی‌های جدید کامل کند. (ص ۲۵) این نکات مربوط به تعمیرها، ترمیم‌ها و رویدادهایی هستند که در فاصله زمانی میان

۱. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۶۶۲؛ اعلام العلماء، ص ۲۱، «مقدمه».  
 ۲. التاريخ و المورخون، ص ۲۶۵.  
 ۳. افادة الانام، ج ۲، ص ۲۱۴.  
 ۴. اعلام العلماء، ص ۲۲، «مقدمه».  
 ۵. افادة الانام، ج ۲، ص ۲۱۵.  
 ۶. افادة الانام، ج ۲، ص ۲۱۴.  
 ۷. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۶۶۲؛ التاريخ و المورخون، ص ۲۶۶.

۸. التاريخ و المورخون، ص ۲۶۶.  
 ۹. معجم المطبوعات العربية، ج ۲، ص ۷۹۳.

مکه، بوده است. به گفته او، این دو دروازه ۴۱۷۲ ذرع فاصله داشته‌اند. (ص ۲۹-۳۰)

در باب دوم، گزارشی از تاریخ کعبه و بناهای گوناگون آن، تعمیرها و هدایا و خدمات حکمرانان و آویزه‌های آن آمده است. (ص ۳۷-۶۳) از جمله آن‌ها اشاره به ارسال صُره<sup>\*</sup> رومی، قنادیل، گوهرهای آراسته، نوشته‌ای به خط مراد خان عثمانی، و توضیح چگونگی دریافت هدایا به دست مسئولان حرم (ص ۶۰) است. او می‌افزاید که حج‌گزاری سلطان مراد خان عثمانی به سال ۹۹۷ق. انجام پذیرفته است. (ص ۶۰)

باب سوم به تاریخ و افزوده‌های مسجدالحرام اختصاص یافته است. (ص ۶۷-۷۲) باب‌های چهارم و پنجم به گسترش مسجدالحرام به دست خلفای عباسی (ص ۷۵-۹۰) و شکل‌گیری درها و ستون‌های تازه می‌پردازند. باب ششم درباره ترسیم و تعمیر مسجدالحرام در روزگار چراکسه (ص ۹۳-۱۰۱) است. چهار باب بعد به خیرات و یاری‌های عثمانیان به حرمین اختصاص یافته (ص ۱۰۵-۱۳۳) و در آن‌ها آگاهی‌هایی گسترده درباره وضع مسجدالحرام، ابواب، ستون‌ها، گنبدها، مناره‌ها و طاق‌های آن در گسترش و تعمیرهای عثمانیان (ص ۱۳۴-۱۴۵) ارائه شده است.

در پی گفتار درباره خدمات سلطان سلیمان

قطب‌الدین نهروالی و عبدالکریم قطبی یعنی از ۹۹۰ تا ۱۰۰۰ق. در مسجدالحرام و کعبه رخ داده‌اند. (ص ۲۵) وی گاه گزارش‌های افزوده شده را با عبارت «اقول» از آگاهی‌های متن اصلی کتاب نهروالی جدا کرده است. (ص ۲۹، ۵۹، ۸۱) گاه نیز افزوده‌های وی بی‌هیچ نشانه‌ای به متن اصلی پیوسته شده‌اند. (ص ۱۲۵)

در برخی از گزارش‌های قطب‌الدین نهروالی، منبع و مأخذ در متن اصلی یاد شده؛ اما عبدالکریم نام منبع را در تلخیص حذف کرده است. (ص ۳۷) نیز گاهی عبدالکریم بر وصف‌ها و گزارش‌های نهروالی، با عبارت «قال شیخنا» تأکید کرده است. (ص ۹۹، ۱۱۴، ۱۶۶)

نویسنده هنگام نگارش و اتمام این اثر را یک‌شنبه ۱۱ روز مانده به پایان ماه شعبان در سال ۱۰۰۰ق. (ص ۱۶۸) ثبت کرده، در حالی که در خانه‌اش جنب باب‌العمره مسجدالحرام سکونت داشته است. (ص ۱۶۸)

این کتاب بر پایه تدوین و تبویب متن اصلی در ۱۰ باب و یک خاتمه تنظیم شده است. در باب نخست، وصفی کوتاه از موقعیت جغرافیایی مکه و حرم آمده است. در روزگار عبدالکریم قطبی، از بالای کوه ابوقیس بیشتر خانه‌های مکه دیده می‌شده و آغاز و پایان شهر، باب مغلات و باب شُبیکه، دو دروازه

یکی از بخش‌های کتاب که از افزوده‌های عبدالکریم است، گزارش نمونه‌هایی از سندهای شرعی و وقفی روزگار عثمانیان است. (ص ۱۶۹-۱۷۵) در یک سند، موقوفه‌های مخصوص پرده کعبه از سرزمین‌های مصر معرفی شده که به دست سلطان سلیمان عثمانی وقف شده‌اند. اهمیت این سند در آگاهی‌های آن درباره نام این سرزمین‌ها و آبادی‌های وقف شده مصر و ویژگی‌های دقیق اسناد شرعی روزگار عثمانیان و تعیین هزینه‌های مربوط به پرده کعبه است. (ص ۱۷۲-۱۷۵)

◀ **چاپ‌ها:** کتاب حاضر چاپ‌های گوناگون دارد. یک بار در قاهره به سال ۱۳۶۹ق. به اهتمام مکتبه الثقافه با عنوان *تاریخ البلد الحرام* منتشر شده است.<sup>۱</sup> نوبتی دیگر بر پایه چند نسخه خطی (ص ۹-۱۱) به اهتمام احمد محمد جمال و عبدالعزیز رفاعی و عبدالله جبوری در ۲۰۰ صفحه با قطع وزیری در دار الرفاعی ریاض به سال ۱۴۰۳ق. تحقیق و تصحیح شده است.

محققان این کتاب، افزون بر تهیه فهرست‌های راهنما و شناسایی مصادر و مآخذ کتاب، یادداشت‌هایی سودمند افزوده‌اند. در این یادداشت‌ها، درباره تلخیص‌ها و افزوده‌های نویسنده بر کتاب *الاعلام باعلام*

خان عثمانی (۹۲۶-۹۷۴ق.)، از سیاست او در ساخت مدارس چهارگانه بر پایه مذاهب اهل سنت و تعیین مقرری و اوقاف برای این مدارس و مدرسه حنفیان یاد شده که زیر نظارت و مدیریت قطب الدین نهروالی بوده است. (ص ۱۱۴) نویسنده گزارشی از وضع این مدرسه پس از وفات عمویش ارائه کرده است. به نوشته او، قاضی مکه و شیخ الحرم و دیگر مسئولان، وی را سزاوار اداره مدرسه می‌دانستند و شریف مکه و سلطان عثمانی نیز با مدیریت وی موافق بودند؛ اما مخالفانش نظر سلطان را تغییر داده و آن منصب را از چنگ او درآورده، به دیگری سپرده‌اند. (ص ۱۱۵)

وی درباره وضع مدارس شافعیان، مالکیان و حنبلیان گزارش‌هایی مختصر داده و افزوده است که در دوران او همه این مدارس به مدرسه حنفیان تبدیل شده‌اند. (ص ۱۱۵)

نویسنده در فصلی جداگانه، از صدقات و تلاش‌های نیکوکارانه عثمانیان در گسترش مسجد النبی و مکان‌ها و تعمیر چشمه‌های مدینه سخن گفته است. (ص ۱۴۶-۱۵۲) در پایان، مکان‌های مقدس و مکان استجابت دعا در مکه را از جنبه دینی و تاریخی معرفی نموده است؛ مانند زادگاه پیامبر (ص ۱۵۴)، خانه حضرت خدیجه (ص ۱۵۴)، دار خیزران (ص ۱۵۵)، کوه ابوقیس (ص ۱۵۷) و زادگاه حمزه. (ص ۱۶۰)

۱. معجم المطبوعات العربیه، ج ۲، ص ۷۹۳.

مغولی به معنای برادر و خواهر بزرگ، فرمانده، نجیب، قدرتمند، عمو، جد، پدرزن و بزرگسال تر است.<sup>۲</sup> در زبان فارسی، آغا به معنای خاتون، بی‌بی، و بانوی حرم و کلمه‌ای احترام‌آمیز برای خادمان خواجه بوده است.<sup>۳</sup> این دو کلمه از زبان ترکی وارد زبان عربی شدند و عرب زبانان هر دو را به معنای «مرد بزرگوار» به کار بردند.<sup>۴</sup>

واژه آغا در اواخر دوران ممالیک چرکسی (حک: ۷۸۴-۹۲۲ق.) و نیز پس از قدرت گرفتن ترکان عثمانی، برای اشاره به شخص خواجه به کار می‌رفت. اما در حجاز خادمان خواجه حرمین شریفین را اغوات گفتند که پیشتر به طواشیه به معنای اخته<sup>۵</sup> مشهور بودند. در سده یازدهم ق. اغوات برای خادمان خواجه حرم به کار رفت و آغا بر شیخ حرم نبوی اطلاق گشت.<sup>۶</sup> گویا در کاربرد این نام برای خادمان خواجه مسجدالنبی، بزرگداشت خدمت به پیامبر لحاظ شده است. (تصویر شماره ۱۴)

◀ **پیشینه و علل استخدام اغوات:** به کارگیری بردگان خواجه در بسیاری از نقاط

۲. آینده (ماهنامه)، سال ۱۶، ص ۳۹۴-۳۹۹: Doerfer-Turkish v01, 1.

۳. لغتنامه، ج ۱، ص ۱۱۳، «آغا».

۴. تحفة المحبین، ص ۵۳: التاريخ التویم، ج ۴، ص ۲۶.

۵. المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۵۷۰: تاج العروس، ج ۱۷، ص ۲۴۸، «خصوص».

۶. تحفة المحبین، ص ۵۳.

بیت الله الحرام نهروالی داوری شده (برای نمونه: ص ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۴۲) و گاه بر چگونگی تلخیص و فهم و گزارش عبارات از جانب عبدالکریم قطبی نقد و اشکال شده است. (برای نمونه: ص ۱۰۰، ۱۰۵)

### ◀ منابع

افساده الانام: عبدالله بن محمد الغازی (م. ۱۳۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ التاريخ و المورخون: محمد الحبيب الهیله، مکه، مؤسسة الفرقان، ۱۹۹۴م؛ تحصيل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، ۱۴۲۴ق؛ معجم المطبوعات العربیه: علی جواد الطاهر، ریاض، دار الیمامه، ۱۴۱۸ق.

علی احمدی میرآقا



### اعواف ← آبار علی ﷺ

#### اغوات: خادمان خواجه حرمین شریفین

اغوات، آغوات و آغاوات جمع کلمه آغا و آغا است که به خادم خواجه حرمین می‌گفته‌اند. کلمه آغا از ریشه مغولی به معنای بانو، خانم و شاهزاده خانم<sup>۱</sup> و آقا در زبان کهن

۱. آینده (ماهنامه)، س ۱۶، ص ۳۹۴-۳۹۶: lessing Mongolia. Doerfer-Turkish v01, 1 «آقا - آغا مغولی است، نه ترکی».